حسابرسی در کلام پیامبر خدا(ص)



حجت‌الاسلام‌والمسلمین جواهری
استاد دانشگاه

به‌مناسبت نزدیک شدن به روز رحلت پیامبر اکرم(ص)، به‌سراغ حدیثی از ایشان می‌رویم.
روز قیامت چه چیزهایی از انسان می‌پرسند؟ پیامبر خدا(ص) و امامان معصوم(ع) به این سؤال پاسخ داده‌اند. رهنمودهای پیامبر اکرم(ص) در پاسخ به این سؤال، در یک حدیث چنین آمده است: «لا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلاهُ، وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ، وَ عَنْ حُبِّنَا اهل البيت.»
بنده روز قیامت، گام از گام برنمی‌دارد، مگر آنکه از چهار چیز پرسیده شود: از عمرش که چگونه سپری ساخته و از جوانی‌اش که چگونه گذرانده است و از ثروتش که از کجا به‌دست آورده و چگونه خرج کرده است و از دوستی ما اهل‌بیت.
براساس این حدیث نبوی، هر انسانی روز قیامت باید پاسخگوی سؤال درباره عمر و جوانی و ثروت و محبت اهل‌بیت(ع) باشد. اگر توانست پاسخ مناسب و مطلوب به این چهار پرسش بدهد، اهل نجات و سعادت و بهشت خواهد بود.

● حسابرسی عمر

نخستین پرسش از عمر است. از انسان روز قیامت می‌پرسند عمرش را چگونه گذرانده است. از روزی که بالغ شده است، تا قبض روح و مردن چه کرده است. آیا به آنچه خداوند واجب قرار داده، عمل کرده و از آنچه خداوند حرام کرده، اجتناب نموده است. اگر پاسخ به این سؤال مثبت باشد، اهل دین اسلام و پیرو پیامبر خداست و رستگار و سرافراز خواهد بود.

● حسابرسی جوانی

گرچه جوانی، بخشی از عمر هر انسان است و فردی که به میان‌سالی یا کهنسالی رسیده، این دوران را سپری کرده است، پیامبر خدا در این حدیث، سؤال از جوانی را پس از سؤال از عمر آورده‌اند و این ذکر خاص بعد از عام است. قسمت جوانی از عمر هرانسان، مهم‌ترین و بهترین قطعه عمر و دوران نشاط و فعالیت و توانایی و انجام کارهای بزرگ و عمل صالح است. آن که از جوانی‌اش خوب بهره برده و به تکالیف شرعی، کامل و دقیق عمل کرده است، اهل بهشت است.

● حسابرسی ثروت و چگونگی درآمد و هزینه

یکی از محورهای اصلی دوران عمر و جوانی که همه انسان‌ها بر حسب ضرورت دارند، کسب ثروت و درآمد و کیفیت هزینه کردن آن است. انسان باید کار کند تا بتواند زندگی اقتصادی‌اش را اداره کند. باید شغل انسان، پاک و رزق او حلال باشد؛ البته رزق حلال به‌تنهایی کافی نیست، بلکه لازم است رزق حلال در راه حلال و درست هزینه شود. انسان باید حقوق محرومان و سادات را از مال خود بپردازد. باید هم درآمد و هم هزینه و خرج کردن او، مطابق ارزش‌های دینی و اقتصاد اسلامی باشد. از «اکتساب» و «انفاق» مال از همه انسان‌ها در قیامت سؤال می‌شود. سزاوار است امور مالی زندگی انسان، مطابق شرع الهی و قرآن و سنت باشد تا پس از مرگ، خوشحال و اهل آسایش و برخوردار از نعمت‌های بهشت شود.

● حسابرسی محبت اهل‌بیت(ع)

امامت در ردیف توحید و عدل و نبوت و معاد روز قیامت، جزو اصول دین است. محبت اهل‌بیت(ع) رکن اصلی حیات طیبه و راه سلامت زندگی و معیشت پاک است. محبت پیامبر خدا(ص) و فاطمه‌زهرا(س) و دوازده امام(ع) بر همه انسان‌ها واجب است. محبت اهل‌بیت(ع) لوازم و آثاری دارد. در محبت همه‌جانبه، اعتقاد به گزینش و نصب الهی اهل‌بیت و عصمت و طهارت آنان و اطاعت کامل، جای دارد. در اجتماع اسلامی با محبت اهل‌بیت(ع)، آرمان‌شهر دینی تحقق می‌یابد. پیامبر خدا(ص) در این حدیث، حسابرسی از چهار چیز را در روز قیامت یادآوری می‌کنند. باید انسان‌ها بدانند هر سخنی که می‌گویند و هرکاری که انجام می‌دهند، در کارنامه آنان نوشته می‌شود و در آخرت باید درباره آن‌ها پاسخ درست داشته باشند. دقت در این چهار حسابرسی، روشن می‌کند که از همه گفتار و کردار انسان در دنیا سؤال می‌شود. چگونگی گذراندن «عمر» و «جوانی» و «درآمد و مخارج» و «محبت اهل‌بیت(ع)»، اساس تمام سخنان و کارهای انسان را تشکیل می‌دهد.

منابع: الخصال شیخ‌صدوق، ج یک، ص ۲۵۳، فضائل الشیعه شیخ‌صدوق، ص ۸، مناقب آل ابیطالب(ع) ابن شهرآشوب، ج ۲، ص ۱۵۳، الوافی فیض کاشانی، ج ۲۶، ص ۱۴۰، بحارالانوار علامه‌مجلسی، ج ۲۷، ص ۳۱۱.

وقتی که آسمان گریست

رسول خدا بیمار شده بود و بیماری‌اش شدت پیدا کرده بود. هرکه از مردم مدینه خبر را می‌دانست، غمگین و مضطرب بود جز عده‌ای؛ همان کسانی که می‌خواستند تخم تفرقه را در دل مردم بکارند؛ کسانی که حتی از دستور پیامبر سرپیچی کردند و سپاه اسامه را یاری ندادند و به بهانه بیماری پیامبر در شهر ماندند و رسول خدا، آن‌ها را نفرین کرد و به مردم هشدار داد: «ای مردم! آتش فتنه شعله‌ور شده و فتنه‌ها همچون پاره‌های امواج تاریک شب، روی آورده است.»
اهل‌بیت پیامبر(ص) طور دیگری عذاب می‌کشیدند.
فاطمه، پاره تن او، نگران پدر بود و نمی‌توانست نبودنش را تحمل کند.
آخر، هر روز به خانه او می‌رفت و چراغ دلش را روشن‌تر می‌کرد و حالا پدر مریض بود و به علی(ع) گفته بود: «جبرئیل هرسال یک‌مرتبه قرآن را بر من عرضه می‌کرد، ولی امسال دو مرتبه این امر صورت گرفته است و این موضوع دلیلی ندارد، مگر اینکه اجل من نزدیک باشد.»
پیامبر(ص) اندوه فاطمه(س) را که دید، خواست که نزدیک‌تر شود. فاطمه، صورتش را به صورت پدر نزدیک کرد. دختر رسول خدا(ص) از سخنان ایشان، گریه‌اش شدیدتر شد و بعد تبسم کرد.
همه‌متعجب‌شدند. از فاطمه علت را جویا شدند و پاسخ شنیدند: «پیامبر(ص) فرمودند: «من از همین درد می‌میرم» و بعد فرمودند: «تو اولین فرد از اهل‌بیت من هستی که به من ملحق می‌شود» و این بود که من تبسم کردم.»
پیامبر حالش که بهتر شد، به مسجد رفت و از همه حلالیت خواست.
بیماری که دوباره شدت یافت، کاغذ و قلم خواست تا وصیت کند، اما عده‌ای نگذاشتند و گفتند پیامبر بیمار است و هذیان می‌گوید.
پس علی را خواست و زره و شمشیر و خاتم و مُهرش را به او داد و وصیت‌هایی به ایشان کرد.
وصیت کرده بود که نزدیک‌ترین فرد به او غسلش دهد.
و همه تردید نداشتند که نزدیک‌ترین فرد به او، علی(ع) است.
پیامبر رحلت کرد.
همه به گریه افتادند.
نبودن پیامبر برای علی(ع) خیلی سخت بود، آن‌قدر که پارچه را از روی رسول خدا کنار زد و گفت: «پدر و مادرم به فدایت ای پیامبر خدا! با مرگ تو رشته‌ای پاره شد که در مرگ دیگران چنین قطع نشد و آن، نبوت و فرود آمدن پیام و اخبار آسمانی بود. مصیبت تو دیگر مصیبت دیدگان را تسلی‌دهنده است؛ (یعنی پس از مصیبت تو، دیگر مرگ‌ها اهمیتی ندارد و ازطرفی این یک مصیبت همگانی است که عموم مردم به خاطر تو عزادارند). اگر امر به صبر و شکیبایی نمی‌فرمودی و از بی‌تابی نهی نمی‌کردی، آن‌قدر گریه می‌کردم که اشک‌هایم تمام شود و این درد جانکاه، همیشه در من می‌ماند و حزن و اندوهم دائمی می‌شد که همه این‌ها در مصیبت تو کم و ناچیز است.»
همه مدینه سیاه‌پوش شد و صدای گریه فراق به آسمان رفت.

شهرآرا
۳شنبه
۲۱ شهریور ۱۴۰۲
۲۶ صفر ۱۴۴۵
شماره ۴۰۳۴۶
۱۴
SHAHRARANEWS.IR

آیت‌ا... حسینی‌قزوینی در گفت‌وگو با شهرآرا از سیره پیامبر(ص) می‌گوید

جلوه‌های جاودان رحمت نبی خاتم(ص) برای عالم

آمنه مستقیمی‌ا در آستانه بیست‌وهشتمین روز از ماه صفر، سالروز رحلت جانسوز پیامبر اکرم(ص)، و به‌منظور بررسی جلوه‌های رحمت جاودان آن حضرت تا قیامت، با آیت‌ا... سیدمحمد حسینی‌قزوینی، استاد درس خارج حوزه، مدیر شبکه ولایت، مدیر شبکه حضرت ولی‌عصر(عج) و صاحب آثاری همچون «موسوعه الامام‌رضا(ع)» و «موسوعه الامام‌جواد(ع)»، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

دستاوردهای تمدنی نبی خاتم(ص)

ویل دورانت در جلد اول تاریخ تمدن، صفحه ۳ آورده است: «ظهور تمدن هنگامی ممکن است که هرج‌ومرج و ناامنی پایان یافته باشد». ابن‌خلدون نیز در جلد اول تاریخ خود بیان می‌کند: «برای ایجاد تمدن، نیازمند رهبری و دولت، قانون و اخلاق هستیم»، بنابراین رسول گرامی اسلام(ص) که تمدن اسلامی را از مکه آغاز و با تشکیل حکومت در مدینه آن را محقق کردند، در گام نخست به ناامنی و اختلافات پایان دادند. در مکه چون قریش از مسلمان شدن مردم جلوگیری می‌کردند و تازه‌مسلمانان را آزار می‌دادند، امنیت و آرامش از مسلمانان سلب شده بود، لذا پیامبر(ص) برای رسیدن به امنیت و آرامش، آن‌ها را به هجرت به مدینه امر کردند.
وقتی حضرت رسول(ص) به مدینه هجرت کردند، ناامنی و کشت‌وکشتار درمیان مردم موج می‌زد. طبری در تفسیر خود، ج ۷، ص ۷۸ می‌گوید: «جنگ میان قبایل اوس و خزرج ۱۲۰ سال بود که ادامه داشت؛ یعنی مدینه با جنگ صدوبیست‌ساله درگیر بود و قبایل به خون هم تشنه بودند.
پیامبر(ص) در گام نخست بین اوس و خزرج، اخوت و برادری ایجاد کردند». قرآن کریم در آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل‌عمران به همین موضوع اشاره کرده، می‌فرماید: «... وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ ا... عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...»؛ به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا، همه برادر دینی یکدیگر شدید»؛ این رفع ناامنی‌ها و حاکم کردن امنیت به‌جای آن، نخستین گام تمدن‌سازی پیامبر(ص) بود.
علاوه‌بر این، برخی یهودیان مدینه از حضور پیامبر(ص) در عذاب بودند، از این‌رو حضرت رسول(ص) عهدنامه‌ای حدودا چهل‌پنجاه بندی بین یهودیان و مسلمانان بستند که آن‌هم از اساسی‌ترین کارهای تمدنی ایشان بود و هنوز هم آثار آن در جوامع اسلامی مشهود است. از بندهای این عهدنامه، آزادی برگزاری مراسم دربین پیروان ادیان، مساعدت یکدیگر در جنگ‌ها و داوری پیامبر(ص) به‌عنوان آخرین مرجع میان مسلمین و یهودیان، هنگام بروز اختلاف و درگیری بود.



آیت‌ا... حسینی قزوینی:
از رسول خدا(ص) روایات فراوانی داریم که امت را به قرآن و عترت توصیه کرده‌اند تا امت بدانند آیا مرگشان جاهلی است یا اسلامی؛ در صحیح مسلم که برای اهل‌سنت پس از قرآن صحیح‌ترین کتاب است، در حدیث ۲۴۰۸ آمده است که رسول خدا(ص) فرمودند من قرآن و اهل‌بیتم را برای شما به یادگار می‌گذارم

حاکمیت اخوت، درمیان امت

از دیگرسو با هجرت از مکه به مدینه، مسلمانان با مشکلاتی مواجه شدند. حضرت رسول(ص) بین مهاجران و انصار، پیمان برادری ایجاد کردند، به‌طوری که پس از مرگ از هم ارث ببرند. این برادری‌ها به جایی رسید که پس از تقسیم غنایم بنی‌نضیر، مهاجران گفتند: «ای رسول خدا(ص)! ما حاضریم همه سهم خودمان را به انصار ببخشیم» و انصار نیز گفتند: «ما همه سهم خویش را به مهاجران می‌دهیم». این روحیه برادری، همکاری و اخوتی که در مدینه ایجاد شد، تا امروز استمرار دارد.
موضوع مشورت را که قرآن کریم نیز در آیه «وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» بر آن تأکید کرده است، پیامبر(ص) در جامعه مدینه نهادینه کردند. ایشان در غزوه بدر و احد و احزاب و بنی‌نضیر و نیز در قضیه طائف و تبوک و فتح مکه، مشورت کرده، این‌چنین روحیه همبستگی و تعاون را بین امت فرهنگ‌سازی کردند. امروز هم مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری و... رهاورد آن زمینه‌سازی نبوی در صدر اسلام است که در تاریخ، آثار مستمر دارد.

جلوه‌های خُلق عظیم نبوی

در قرآن کریم سه آیه به وجوه رحمت و رأفت پیامبر(ص) اختصاص دارد؛ آیه ۱۰۷ سوره مبارکه انبیا: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَه لِلْعَالَمِينَ»، آیه ۱۵۹ سوره آل‌عمران: «فَبِمَا رَحْمَه مِنَ ا... لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» و آیه ۴ سوره قلم: «وَإِنَّكَ لَعَلى خُلُقٍ عَظِيمٍ». حضرت رسول(ص) پس از فتح خیبر حتی یک تن از افراد دشمن را نکشتند و زنان آن‌ها را به اسارت نگرفتند، درحالی که این حق را داشتند. جلوه دیگر خُلق عظیم ایشان در مقابل وحشی، قاتل حمزه سیدالشهدا(ع)، است که پس از فتح مکه، پیامبر(ص) خون او را هدر اعلام کرده بودند و زمانی که جمعی برای گرایش به اسلام آمده بودند، ناگهان وارد شد و شهادتین گفت. حضرت رسول(ص) از خون او گذشتند و فرمودند: «اما در مقابل دیدگان من نیا!» یاعکرمه پسر ابوجهل را که در جنگ‌های بدر، احد و خندق حضور داشت و تعدادی از مسلمین را به شهادت رسانده و در فتح مکه خونش هدر اعلام شده بود، به درخواست همسرش، ام‌حکیم، بخشیدند و وی در سپاه اسلام شهید شد. همچنین عبدا... بن‌ابی‌سرح را که مرتد و خونش هدر اعلام شده بود، با وساطت عثمان، مشمول عفو قرار دادند.

أَشِدّاءُ عَلَى الكُفّارِ

پیامبر(ص) در کنار رحمه‌للعالمین بودن، «أَشِدّاءُ عَلَى الكُفّارِ» هم هستند و اگر افراد جنایت‌پیشه، جنایات خود را ادامه می‌دادند، بی‌شک برخورد نبوی به‌گونه‌ای دیگر بود؛ همان‌طور که در دعای افتتاح، خطاب به خدا می‌گوییم: «أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَه، وَ أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ النَّقِمَه». برای مثال پیامبر(ص) وساطت‌ها درباره معاویه‌بن‌مغیره را که در جنگ احد تعدادی از اعضای بدن حضرت حمزه را قطع کرده بود، نپذیرفتند و وی را عمار و زیدبن‌حارثه به درک واصل کردند؛ ایشان عقبه‌بن‌ابی‌معیط را نیز که چندبار نزدیک بود حضرت رسول(ص) را خفه کند، عفو نکردند و وی به‌دست مبارک امیرالمؤمنین(ع) به درک واصل شد. (سنن کبری بیهقی، ج ۹، ص ۷)؛ همچنین، حاکم نیشابوری در مستدرک، ج ۳، ص ۲۱۶ از امام‌صادق(ع) نقل می‌کند: «یکی از زنان اشراف سرقت کرده بود و پیامبر(ص) دستور به اجرای حد سرقت دادند. برخی از قریش گفتند وی از زنان بزرگ است و اگر دستش قطع شود، وجهه خوبی ندارد، او را ببخشید. پیامبر(ص) در پاسخ آن‌ها فرمودند: امت‌های قبل در مجازات بین فقرا و اغنیا فرق می‌گذاشتند و همین موضوع، سبب نزول عذاب بر آن‌ها شد. در اجرای حدود الهی، بین فقیر و غنی تفاوتی نیست».

آینده‌نگری تاریخی پیامبر(ص)

منابعی همچون صحیح ترمذی، ج ۴، ص ۵۳ و مستدرک حاکم، ج یک، ص ۱۲۹ از پیامبر(ص) نقل کرده‌اند که «فرمودند: بعد از من امتم به ۷۳ فرقه متفرق می‌شوند؛ یک فرقه اهل نجات هستند و باقی اهل جهنم». این، نوعی اعلام خطر برای جامعه اسلامی است. از دیگرسو در صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲ و مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶ به نقل از ایشان آمده است: «هرکه بدون امام از دنیا برود، مرگ او مرگ جاهلی است». منابع شیعی هم در این‌باره فراوان روایات دارد.

نسخه نبوی برای رهایی از گرفتاری و اختلاف

از رسول خدا(ص) روایات فراوانی (بیش از دویست روایت فقط در کتب اهل‌سنت) داریم که امت را به قرآن و عترت توصیه کرده‌اند تا امت بدانند آیا مرگشان جاهلی است یا اسلامی؛ در صحیح مسلم که برای اهل‌سنت پس از قرآن صحیح‌ترین کتاب است، در حدیث ۲۴۰۸ آمده است که «رسول خدا(ص) فرمودند من قرآن و اهل‌بیتم را برای شما به یادگار می‌گذارم. اگر می‌خواهید دچار گرفتاری، اختلاف و تفرقه و آتش جهنم نشوید، به این دو تمسک بجویید». البانی، از استوانه‌های علمی وهابیت، (متوفای ۱۴۲۰) و صاحب بیش از ۱۰۰ جلد کتاب در سلسله‌احادیث الصحیحه، ج ۴، ص ۳۵۶ می‌گوید: «پیامبر(ص) فرمودند: در میان شما کتاب خدا و اهل‌بیتم را به امانت گذاشتم. این دو هرگز از هم جدا نشوند تا کنار حوض به من ملحق شوند؛ ببینید بعد از من برخورد شما با من و اهل‌بیتم چگونه است». وی همچنین در صحیح جامع الصغیره، ج یک، ص ۴۸۲ آورده است که «پیامبر(ص) فرمودند: من بین شما دو خلیفه گذاشته‌ام؛ این‌ها از هم جدا نمی‌شوند». همچنین حاکم نیشابوری در مستدرک، ج ۳، ص ۱۰۳ به‌عنوان روایت صحیح آورده است که «حضرت رسول(ص) فرمودند: اگر امت من می‌خواهند از اختلاف در امان باشند، سراغ اهل‌بیت من بروند و اگر با آن‌ها مخالفت کنند، وارد حزب ابلیس می‌شوند».
پیامبر(ص) برای تضمین آینده امت، این دو امانت را به جای گذاشتند، اما ایشان خود می‌دانستند که آن‌ها قدر این امانت را نمی‌دانند و امانت‌داری نمی‌کنند؛ چنان که فرمودند: «تنها فردی که شما را به راه راست هدایت می‌کند و جامعه‌ای بدون اختلاف و تبعیض را تشکیل می‌دهد، امیرالمؤمنین(ع) است؛ هرچند می‌دانم که شما سخن مرا گوش نمی‌دهید» (مسندالبزار، ج ۷، ص ۲۹۹). همین‌طور هم شد و امت به‌جای اهل‌بیت پیامبر(ص)، طرف صحابه را گرفتند؛ چنان که صحیح بخاری که صحیح‌ترین و محکم‌ترین کتاب اهل‌سنت است، از امیرالمؤمنین(ع) ۲۹ روایت و از ابوهریره نزدیک به ۴۵۰ روایت نقل کرده است و در کل کتاب‌های اهل‌سنت از امیرمؤمنان(ع)، پانصد روایت و از ابوهریره، بیش از ۵ هزار روایت نقل شده است. ما مخالف صحابه نیستیم و برای آن‌ها که در رکاب پیامبر(ص) به شهادت رسیدند، احترام قائلیم؛ چنان که شیخ‌طوسی می‌گوید: «ما از ۱۲ هزار صحابه توقع شفاعت داریم اما روش برخوردمان با آن دسته از صحابه که راه نفاق پیمودند و پس از رحلت پیامبر(ص) مرتد شدند یا به دست پیامبر(ص) و خلیفه دوم حد خوردند، روش قرآن است».
براساس نقل صحیح‌بخاری، ج ۷، ص ۲۰۷، ح ۶۵۸۷ «رسول خدا(ص) می‌فرمایند: صحابه من درکنار حوض، نزد من می‌آیند اما اجازه نمی‌دهند و آن‌ها را بازمی‌گردانند و چون از چرایی‌اش می‌پرسم، پاسخ می‌دهند آن‌ها را به‌سمت آتش جهنم می‌بریم؛ چون پس از تو همه سخنانت را نادیده گرفتند. (یعنی تفکرات دوران جاهلیت را اجرا کردند) پیامبر(ص) سپس ادامه دادند: جز تعداد اندکی از اصحاب من، از آتش جهنم رهایی نمی‌یابند». حال سؤال این است آن‌ها که نمی‌توانند خود را از آتش نجات دهند، چطور ما را نجات خواهند داد؟ درحالی که اهل‌بیت(ع) باوجود آن همه خفقان و فشار خلفا، کوچک‌ترین خطایی نکردند.
امید است حدیث ثقلین در سراسر دنیا رواج یابد، مرجعیت اهل‌بیت(ع) بر دنیا حاکم شود و همه مسلمین پای این سفره بنشینند و به حبل ا... که به تعبیر خود اهل‌سنت، امیرالمؤمنین(ع) و فرزندان ایشان هستند، تمسک بجویند. آیت‌ا... العظمی بروجردی می‌گفت: «اگر ما حدیث ثقلین و مرجعیت علمی اهل‌بیت را رواج دهیم، خیلی از مشکلات برطرف می‌شود». امام‌خمینی(ره) نیز در وصیت‌نامه سیاسی‌عبادی خود از میان هزاران روایت درباره اهل‌بیت(ع)، به حدیث ثقلین اشاره می‌کنند و می‌گویند: «این حدیث، بهترین دلیل است که مسلمانان را کنار مائده نورانی جمع کند و برای همیشه اختلاف و تکفیر را از آن‌ها بردارد».